

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

در پی آزار و اذیت

مدتی شد که دلم طالب دیدار شده
صنمی عاشقِ ماگشته و بیمار شده
از چپ و راست گهی تیرِ جفا جانبِ او
ز محبت هدفِ تیرِ خریدار شده
گاهی با کاغذ و رنگ و قلمی، نیش زدم
چه کنم کارِ دل است، چونکه گرفتار شده
گه رباعی و قصیده، گهی هم بیت و غزل
(دردِ دل) داروی دل، زینهمه اشعار شده
عاشقانرا دهنِ بسته چه خوش میزید
دمی معشوقه اگر بر سرِ گفتار شده
همه گویند، چه رازیست، میانِ من و او
یکی دلبر شده و، دیگری دلدار شده
بخدا مهرِ وی افتاده چنان در دلِ من
تلیفون، روز شبی، محرمِ اسرار شده
پیّ آزار و اذیت شدم از مهر و وفا
لقبش وردِ زبانم، به سرِ دار شده

نظم و نثرش به خدا بسکه سلیس است و روان
همه گویند ، قلمِ عشق به پرکار شده
گرچه سوگند بود ، چیزی نگویم به زبان
دلِ لامذهبِ من ، در پیِ آزار شده
گهی بر چشمِ کبود و گهی بر زلفِ طلا
پیِ هر دخترِ جرمن ، به طلبگار شده
حال گوید که شدم ، عاشقِ دُختِ وطنم
شاید از خواب ، تکان خورده و بیدار شده
عاقبت نام عوض کرده ، ز جرمن ، میهن
پیِ سُنْبیدنِ اشعار ، به اجبار شده
« نعمتا » ! گر تو خریدارِ متاعِ حُسنی
ناظم از ناز و کرشمه ، سرِ بازار شده